



بهترین تمدن طبق وعده قرآن کریم تمدن اسلامی است که با فرهنگ عدل و عقل پیش می‌رود و هیچ امتی و جامعه‌ای مثل آن نخواهد بود.

مستحضری و طیفه اصلی ما پیروان قرآن و عترت که وقتی به بارگاه ملکوتی آن ذوات قدسی مشرف می شویم و عرض ادب می کنیم در «زیارت جامعه» و مانند آن به ذات اقدس الهی در مزار آن ذوات قدسی عرض می کنیم و آنها را مخاطب قرار می دهیم و می گوئیم: «أَيُّ مُحَقِّقٍ؛ لِمَا حَقَّقْتُمْ؛ مُبْطِلٍ؛ لِمَا أَبْطَلْتُمْ» [V] آن معارف ملکوتی را که شما تحقیق کردید ما هم در صدد تحقیق آن برآمدیم، آنچه را که شما از مکتب های جبر و تفویض و مانند آن ابطال کردید ما هم به بطلان آنها رأی دادیم. این سخن، سخن شیعه ای است سخن پیروی است که به اوج تحقیق علمی و تحقق عملی رسیده است. ما مجاز هستیم که در حرم اینها در حضور اینها در زیارت اینها عرض بکنیم: «أَيُّ مُحَقِّقٍ؛ لِمَا حَقَّقْتُمْ؛ مُبْطِلٍ؛ لِمَا أَبْطَلْتُمْ». مژور ما آن مزار نیست، مژور ما خود شخصی که

در آن مزار مدفون است نیست، مزور ما این چهارده معصوم اند؛ لذا جایی ندارد که انسان وقتی وارد حرم ملکوتی امام اول علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) شد به جای اینکه بگوید «وَأِلَى جَدِّكُمْ» [۸] بگوید «وَأِلَى أَخِيكُمْ» این «علم بالغلبه» است مزور ما یعنی مزور ما! این چهارده نفر هستند نه شخص خوابیده در آن مضجع تا در حرم مطهر حضرت امیر جابجا کنیم بگوئیم «وَأِلَى جَدِّكُمْ» اصلاً لازم نیست. ما در «تصلیه» وقتی صلوات می فرستیم وقتی می گوئیم «اللهم صل علی محمد و آل محمد» مگر در آن «آل» دخل و تصرف می کنیم؟! این «علم بالغلبه» است این یازده امام و وجود مبارک صدیقه کبری^۱ (صلوات الله علیهم أجمعین) آل رسول اند و وجود مبارک حضرت امیر هم «تغلیباً» آل آن حضرت است.

غرض آن است که نه در زیارت «جامعه» تحویل و تحوّل لازم است نه در این تصلیه؛ هم «اللهم صل علی محمد و آل محمد» علی بن ابیطالب را شامل می شود، هم در زیارت جامعه وقتی وارد حرم حضرت امیر شدیم، مزور ما این چهارده نفر هستند نه شخص حضرت امیر تا ما بگوئیم باید این «وَأِلَى جَدِّكُمْ» را به «إِلَى أَخِيكُمْ» تبدیل کرد.

به هر تقدیر اولین کار وجود مبارک حجت ابن الحجج البالغه (علیهم الصلاة و علیهم السلام) این است که مکتب را جهانی می کند؛ یعنی «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» را عملی می کند، «لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً»، «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» را عملی می کند، «إِلَّا سَلَامٌ يَعْلَوُ وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» [۹] که به حسب ظاهر جمله خبریه است ولی در حقیقت جمله انشائیّه است و به داعی انشا القا شده عملی می کند، این کار را می کند.

هم زمان که در صدد برجسته کردن مکتب جهانی اسلام است جامعه را هم به بهترین تمدن می رساند اگر در بخش پایانی سوره مبارکه «بینه» آمده است که «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» [۱۰] بهترین تمدن، تمدن اسلامی است بهترین متمدنان مسلمانان هستند برای اینکه اسلام به همه جوانب آن توجه شد و عمل شده است. سرّ این دو موفقیت که وجود مبارک حجت ابن الحجج البالغه (علیهم أفضل صلوات المصلین) هم در آن بُعد فرهنگ جهانی موفق شده است «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» را بر نقش نظام سپهری پیروز کند و هم «لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً» را بر تمام مکتب های فلسفی، کلامی و مانند آن و نحله ها و ملت ها، مللی که موجود است، نحلی که ساخته شده است بر همه پیروز کند سرّش آن است که این جامعه را «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» کرده است و جامعه را عقلانی کرده است با جامعه عقلانی، هم «كَلِمَةُ اللَّهِ»، «الْعُلْيَا» می شود و هم مکتب اسلام «لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً» می شود.

اگر مردم عقلانی نیندیشند، گرفتار گمان و خیال و وهم باشند در بخش اندیشه و مبتلا به هوس و هوی^۱ باشند در بخش انگیزه؛ «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» [۱۱] در بخش اندیشه، «وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» [۱۲] در بخش انگیزه، در بخش های علم به جای علم با گمان عمل کنند، در بخش های عمل به جای عدل و عقل به هوی^۱ عمل کنند چنین جامعه اگر رهبری مثل علی بن ابیطالب (صلوات الله و سلامه علیه) داشته باشد موفق نیست چه اینکه نشد. داشتن رهبر والایی چون علی (صلوات الله و سلامه علیه) یک طرف قضیه است مادامی که مردم نه در بحث های علمی عالمانه می اندیشند بلکه روی گمان فکر می کنند «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» و نه در بخش های عمل به جای عدل و عقل به وهم و به هوی^۱ و هوس عمل می کنند این جامعه ولو رهبر آن علی بن ابیطالب (صلوات الله و سلامه علیه) باشد کامیاب نیست؛ ولی وقتی جامعه ای عقلانی شد در بخش های اندیشه به علم و تحقیق عمل کرد در بخش های انگیزه به عقل و عدل عمل کرده است این همان ملت و امت وجود مبارک ولی عصر (ارواحنا فداه) خواهد بود که اسلام ناب را القا می کند مردم در اثر عقلانیت می پذیرند آن گاه هم زمان هم مکتب بالا می رود هم ملت متمدن خواهد شد.

بهترین تمدن طبق وعده قرآن کریم تمدن اسلامی است که با فرهنگ عدل و عقل پیش می رود و هیچ امتی و جامعه ای مثل اینها نخواهد بود «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» بهترین مخلوقات جهان، عصر ظهور حجت بن الحسن (صلوات الله علیه و علی آبائه) است. این دو کار، کار الهی است مبدا کسی خیال کند این کار از هر ملتی از هر امتی در هر دوره ای هر عصری هر مصری بر می آید، این مختص خاتم اوصیا است. همان طوری که خاتم انبیا مهیمن بر سایر انبیا است منتها در تمام بخش ها، اینجا وجود مبارک ولی عصر خاتم ائمه و خاتم ائمه است در بخش اجرا، وگرنه اینها نور واحد هستند. در بخش اجرا به جایی می رسد که مردم «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» می شوند، در بخش اجرا به جایی می رسد که قرآن «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» می شود، در بخش اجرا قرآن و ره آورد عدل قرآن یعنی حدیث و روایات اهل بیت (علیهم السلام) «لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً»، «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» می شود.

حضور مردم عاقل و وارسته سهم تعیین کننده ای در پیشبرد اهداف ولایت و نبوت دارد. وجود مبارک ابراهیم خلیل «خلیل من همه بت های آزاری بشکست» [۱۳] احساس کرد تا مردم عاقل نشوند نه ساکت، بلکه ساکن نشوند اهل سکینت و وقار و آرامش نشوند که این سکینت با سکوت فرق دارد، این سکینت به آسانی و ارزانی به دست نمی آید، بدون عقل و عدل جامعه ساکن نمی شوند، سکینت پیدا نمی کنند، به خدا عرض کرد خدایا گفتم کعبه بساز گفتم چشم! گفتم

ذبیح اهدا کن گفتم چشم! منتها تو فرمودی ﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا﴾ [۱۴] گفتی کودک را با مادر در کنار همان کعبه ای که بعد ساخته می شود بگذار در امان خدا و احدی آنجا نباشد گفتم چشم! همسرم به من گفت: «إِلَى مَنْ تَدْعُنَا» در اینجا که احدی نیست من و این شیرخوار را به چه کسی می سپاری؟ گفتم «إِلَى رَبِّ هَذِهِ التَّيْبَةِ» [۱۵] چشم! ولی خدایا اگر دین بخواهد «از علم به عین آمد وز گوش به آغوش» باید مردم علاقه به این مکتب داشته باشند و علاقه به مبلغان و معلمان و رهبران الهی داشته باشند. اگر این علاقه قلبی بود و اگر این گرایش از دل برخاست، آنچه را که شما دستور دادی اجرا می شود، وگرنه ساختن کعبه یک قسمت از کار است، آن را مطاف قرار دادن یک قسمت است، آن را قبله قرار دادن یک طرف است، آن را حرم امن قرار دادن یک طرف است، طرف دیگر آن است که مردم عاقل و فرهنگ مدار و عقل محور باشند: ﴿قَاجَعَلْ أَفَيْدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ﴾ [۱۶] خدایا دل های مردم به دست توست نه با تبلیغ می شود قلب را رهبری کرد نه با ارعاب و مانند آن می شود قلب را به یک سمت گرایش داد. سکوت غیر سکون است، سکون همان سکینت، آرامش و وقار است و این از دست «مقلب القلوب» بر می آید «و لا غیر». عرض کرد خدایا کعبه به تنهایی کافی نیست، حرم و حریم داشتن به تنهایی کافی نیست، آن مکتبی که به ما دادی آن تنهایی کافی نیست، بخواهد اجرا بشود مردم عقل مدار عدل محور دل پذیر لازم است ﴿قَاجَعَلْ أَفَيْدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ﴾ وجود مبارک ولی عصر (ارواحنا فداه) که ظهور می کند دل های مردم به سمت حرم ولایت او و حریم امامت او پرواز می کند این دل های عاقل گرایش دار باعث هم ﴿و كَلِمَةً إِلَهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾ می شود هم ﴿لِيُطَهَّرَ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً﴾ می شود هم جامعه بهترین جامعه و ﴿خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ خواهد بود و هم «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ» «از علم به عین آمد وز گوش به آغوش» خواهد بود. اینها ره آورد وجود مبارک ولی عصر (ارواحنا فداه) است که خاتم و خاتم ولایت و امامت اسلام برین است و ادعیه او هم همواره مستجاب خواهد بود.

در زمان غیبت هم عرض ادب کردن، انتظار داشتن، حضور داشتن، ظهور داشتن، دعا کردن، به وظیفه عمل کردن همه اینها سهم تعیین کننده ای دارد اما وقت آن را فقط ذات اقدس الهی می داند «و لا غیر»، مصلحت به دست اوست.

دعا و تأثیر آن

بخش دوم عرض ما درباره ماه پُر برکت شعبان است. ماه شعبان از منظر برخی بزرگان دین آخرین ماه سال است. آنها که اهل حساب و تزکیه و تعلیم و تربیت قرآنی اند سعی کردند ماه مبارک رمضان را اول سال قرار بدهند و ماه شعبان آخر سال باشد. وقتی ماه شعبان شد تمام تلاش و کوشش این است که حساب ها را بررسی کنند حقی اگر بر دمه آنها است ادا کنند دینی مانده است ادا کنند، نمازی قضا مانده است ادا کنند، روزه ای قضا مانده است ادا کنند، این کارها را در ماه شعبان که آخرین ماه از ماه های دوازده گانه است عمل کنند تا وقتی وارد ماه مبارک رمضان می شوند فارغ باشند.

اگر برخی از ادیبان ما و علاقمندان به ذوق عرفانی چنین گفتند:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید *** از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد [۱۷]

برای اینکه ماه شعبان ماه جایزه است، ماهی است که پایان سال حساب ها را بررسی می کنند و تصفیه حساب می کنند. ماه مبارک رمضان ماه ضیافت است، ماه کار و کوشش است، پاداش این ماه که اول شوال است و شب عید فطر که «لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ» [۱۸] است، روز عید فطر که «يَوْمُ الْجَوَائِزِ» [۱۹] است، جایزه ها را در شب عید فطر می دهند وگرنه ماه مبارک رمضان ماه کار است و تلاش و کوشش است، ماه وصال نیست، ماه کار است، وصال در شب عید فطر و روز عید فطر است لذا در برنامه های دینی ما شب عید فطر به عنوان «لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ» است که جایزه ها را توزیع می کنند و روز عید فطر «يَوْمُ الْجَوَائِزِ» است که جایزه ها را توزیع می کنند. اگر گفته شد:

روز عید است و من مانده در این تدبیرم *** که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم [۲۰]

این است. دعا در این ماه سهم تعیین کننده ای دارد. دعا جز قضا و قدر است در قبال قضا و قدر نیست. آنچه که در روایات ما آمده که دعا در متن قضا و قدر قرار دارد بیگانه نیست، جلوی قضا و قدر را نمی گیرد، خودش جز قضا و قدر هست، اگر جلوی قضا را می گیرد این یک قضای نسبی است نه قضای مطلق، بخشی از قضاها در خارج دعا است، بخشی از قضاها در حوزه دعا انجام می گیرد، همین حرف ها را بزرگان حکمت ما مثل مرحوم بوعلی و امثال ایشان آورده اند که دعا جز علل و اسباب است دعا در قبال قانون علیت نیست، بلکه خودش در ردیف علل قرار می گیرد. آنچه در روایات ما ائمه فرمودند حکمای ما یاد گرفتند و بیان کردند که دعا در قبال نظام علّی نیست، در حوزه علّیت است. آنها فرمودند که دعا در قبال قضا و قدر نیست در حوزه قضا و قدر است.

مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه) یک جمله نورانی از امام سجاد که او رهبر دعا است، او مظهر دعا است، او بنیان گزار دعا از نظر تألیف کتاب دعا نظیر صحیفه سجادیه است، حضرت فرمود دعا بلا را تا نیامده، آن آخرین مرحله ای که می خواهد قدم بگذارد، هنوز نیامده رد می کند. این بیان نورانی امام سجاد است که مرحوم کلینی از امام سجاد، صاحب صحیفه سجادیه فرمود بعد از آمدن [بلا] باید برای رفع آن دعا کرد نه دفع آن! [۲۱] برای دفع دعا نظیر طرد کرونا و امثال آن، تا آن لبه آخر نیامده است دعا اثر دارد، وقتی آمد در رفع آن باید دعا کرد.

الآن همه این ملت چه ایران چه غیر ایران به بارگاه ملکوتی ذات اقدس الهی دست نیاز برده و می بریم که این بلا را آن جایی که نرفته است دفع کند، کسانی که مبتلا نشدند دفع کند، شهرها و روستاهایی که تاکنون مصون مانده بود دفع کند و آن جایی که آمده است به سرعت رفع کند تا هیچ جامعه ای گرفتار این بیماری مهلک نشود، این اولاً؛ ثانیاً بخش های علمی ما هر اندازه که باشد به هر حال محدود است بسیاری از چیزها است که ناشناخته است، فرمود: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ﴾ در سماء ﴿إِلَّا أَمَمَ أُمَّتًا لَكُمْ﴾ [۲۲] همان طوری که علم، همان طوری که بهداشت و درمان رشته های گسترده ای دارد دامپزشکی هم «بشرح ایضاً»، دامپزشکی تنها برای گاو و گوسفند نیست، حشره شناسی، میکروب شناسی، ویروس شناسی اینها در بخش های دامپزشکی است و اینها اگر دشوارتر از جریان انسان شناسی نباشد کمتر نیست هم علمی تر است هم دقیق تر است هم راه دسترسی چون آن حرفی ندارد آثاری ندارد بسیار دشوار است؛ اما «با فیض لطف او صد از این نامه طی کنیم». [۲۳]

دعا خودش عبادت است اگر کسی خدای ناکرده اهل دعا نباشد مذموم است یک نحوه استکباری است، یک نحوه خودخواهی است که ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي﴾ [۲۴] گفتند کسی که دست او به دعا برنمی آید، لب او به دعا نمی جنبید، قلب او به دعا نمی تپد، او خوی استکباری دارد. در بارگاه ذات اقدس الهی با دست لرزان و قلب تپنده عرض کنیم «یا رب العالمین اِدْفَعْ عَنَّا كُلَّ بَلَاءٍ»!

مطلب دیگر آن است که بخش های دفع بلا و رفع بلا و امثال آن، این دعاها معمولی است بخشی که مربوط به خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و ما پیروان آن حضرت هستیم و باید در کیفیت دعا هم از آن حضرت تبعیت کنیم این است که ذات اقدس الهی به حضرتش فرمود در قوس نزول هر چه که باید به تو بگویم صادر اول بودی، بالاتر از صادر اول، تعبیر لطیف تر و دقیق تر و نمکین تر ظاهر اول بودی، به تو دادیم اما در قوس صعود که باید بروی ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ [۲۵] * تو یک کودک یتیم بی سرپرست بودی ما تو را بالا آوردیم. ما هم این چنین هستیم، ضعیف هستیم، تمام تلاش و کوشش ما این است که ضعف خود را بفهمیم و به بارگاه الهی عرض کنیم که ما ضعف آوردیم. حرف لطیف جناب حکیم سنایی این است که اگر کسی خواست خود را به بارگاه ملکوتی ذات اقدس الهی نزدیک کند به بارگاه خدا که می رود نباید با دست خالی برود، یک؛ چیزی را هدیه ببرد که در آنجا نباشد، دو؛ نبودن چیزی هم کمال باشد نه عجز، سه؛ وقتی کسی در حضور امام عرض کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ» حضرت فرمود چرا این طور حرف می زنی؟! مگر علم او محدود است؟! عرض کرد پس چه بگویم؟ بگو: «لَا تَقُولَنَّ مُنْتَهَى عِلْمِهِ قَلِيلٌ لِعِلْمِهِ مُنْتَهَى وَ لَكِنَّ قُلَّ مُنْتَهَى رِضَا» [۲۶] علمش که وصف ذات است نامتناهی است، گرمش گرچه نامتناهی است اما گاهی می دهد گاهی نمی دهد ولی علم را گاهی دارد و گاهی ندارد، نیست. اگر چنانچه انسان بخواهد به بارگاه الهی برود با دست پُر باید برود، یک؛ چیزی ببرد که آنجا نباشد، دو؛ نبودن آن عین کمال باشد نه نقص، این سه؛ و آن عجز و بندگی است که خدایا من عجز و بندگی آوردم به بارگاه تو!

آن گاه به تعبیر جناب حکیم سنایی می فرماید: «روی گردآلود برزی او» یعنی به طرف او که می روی روی گردآلود بر

روی گردآلود برزی او که بر درگاه او *** آبروی خود بری گر آبروی خود بری [۲۷]

اگر بگویی خدایا من تحصیل کردم علم فراهم کردم، مال فراهم کردم، خیر کردم، جوابش این است که همه را که ما به تو دادیم! اگر قارونی فکر بکنی و بگویی من این کار را کردم، من این مال را فراهم کردم، من این کار را کردم، می گویند اینها را که ما به تو دادیم، تو چه آوردی؟ لذا حرف حکیم سنایی این است که:

روی گردآلود برزی او که بر درگاه او *** آبروی خود بری گر آبروی خود بری

خدایا ملت ما، جامعه ما، ملت های دیگر، جوامع دیگر، روی گردآلود آوردند این ویروس را نشناخته بر ما تازاندند، چهل ما نه چیز دیگر، جهالت ما نه چیز دیگر، پیش بینی نکردن ما نه چیز دیگر، این بیماری را به سراغ ما آورد، این کرونا را ما نشناختیم و هنوز هم درست نمی شناسیم، این بزرگان ما، این اطباء ما، این سروران ما، این عزیزان ما، این بهتر از

جان ما که الآن در خط مقدم فداکاری برای تأمین سلامت جامعه هستند، تو را به عزّت خود اینها را حفظ بکن، یک؛ افکار اینها را هدایت بکن به تشخیص این ویروس، دو؛ افکار اینها را راهنمایی کن به تشخیص داروی معالج صد در صد این ویروس، سه؛ این افکار را به جهانیان منتقل بکن، چهار؛ جوامع بشری را مهمان نظام جمهوری ایران اسلامی بکن، پنج؛ چه عیب دارد که از کشور ما، از وطن ما، از این آب و خاک که ما مهمان این آب و خاک هستیم، از این آب و خاک برخاستیم، مدیون این آب و خاک هستیم، از این سرزمین رشد کردیم، به برکت قرآن و عترت به این بارگاه رسیدیم به جوامع دیگر برسد که دست ما باز باشد دیگران در کنار سفره ما باشند! این دعاها هم اولین دعای بیمارستان ما، دانشگاه ما، پزشکی ما، پزشکان ما باشد إن شاء الله این دعا را خدا هیچ وقت رد نمی کند، این دعا قضا و قدر را رد می کند، این دعا بلا را رد می کند، بلا را دفع می کند، بلا را رفع می کند.

بیان نورانی امام صادق (صلوات الله و سلامه علیه) این است که تمدن یک ملت در این اضلاع سه گانه مثلث است: «لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ» اگر ملتی بخواهد متدن بشود این مثلث لازم است «فَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعٍ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَ طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثَقَّةٍ» [۲۸] آن روحانی که نه بی راهه برود و نه راه کسی را ببندد، نه زهده فروشی کند، نه بار زائدی بر سر و صورت خود تحمیل کند، نه فخری بفروشد، نه جاه طلب کند، نه تزویری و مانند آن داشته باشد، این رکن اول یک تمدن است. دوم: «طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثَقَّةٍ» پزشک درس خوانده ماهر متحقق مورد اطمینان چه زن چه مرد چه جوان چه پیر بخواهد به بارگاه طبی او مراجعه کند احساس امنیت می کند. سوم: «أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ» امنیت جامعه نیروی نظامی و انتظامی جامعه، این بیان نورانی امام صادق (صلوات الله و سلام الله علیه) است که اضلاع سه گانه این مثلث عامل تمدن یک ملت، حافظ امنیت یک ملت، حافظ سلامت یک ملت، حافظ آرامش یک ملت، حافظ معنویت یک ملت است «لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَفْرَغُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا فَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعٍ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَ طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثَقَّةٍ».

ما امیدواریم هم به برکت میلاد وجود مبارک ولیّ عصر (ارواحنا فداه صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه) بتوانیم تا اندازه خود ﴿وَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾ را پیاده کنیم، ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ را پیاده کنیم، ﴿أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ را پیاده کنیم ﴿فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ﴾ را پیاده کنیم، یک؛ و این ماه پُر برکت شعبان که:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید *** از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

این را از دست ندهیم و پاک بشویم با بدن طیب و طاهر به ضیافت الهی در ماه مبارک رمضان برویم، دو؛ و این دعاها هم فراموشمان نشود، دعا را مخّ عبادت بدانیم، پرهیز از دعا یک نحوه استکباری است، دعا سهم تعیین کننده دارد، اگر کسی بخواهد از بیماری درمان یابد این دعا چندین اثر دارد: فکر طیب را هدایت می کند به تشخیص بیماری، یک؛ فکر او را رهبری می کند به تشخیص داروی معالج، دو؛ فکر داروسازان را رهبری می کند به کیفیت ساخت و ساز دارو، سه؛ این دارو آماده می شود آن گاه فکر آن داروفروش را، آن منتقل کننده دارو را هدایت می کند که تاریخ مصرف آن نگذشته باشد عوضی ندهد اشتباه نکند، فکر پرستاران را هدایت می کند که این دارو را اشتباهی ندهند، دستگاه گوارش و پرورش بیمار را آماده می کند که این دارو را جذب بکند و آن بیماری را دفع بکند، چهار پنج مرحله لازم است تا این بیمار از تخت بیمارستان به کوی و برزن بیاید و مشغول کار خود بشود به کارگاه خود بیاید همه اینها ممکن است با سهو و نسیان و اشتباه عوض بشود، دعا جلوی سهو را می گیرد، جلوی اشتباه را می گیرد، جلوی تاریخ مصرف گذشته را می گیرد، نمی گذارد کسی مصرف گذشته را بدهد آنکه مصرفش باقی است هدایت می کند که آن عملی بشود و مانند آن.

امیدواریم ذات اقدس الهی این ادعیه را در حق همه جوامع بشری به برکت قرآن و عترت مستجاب بفرماید و پزشکان عزیز ما بتوانند ایران اسلامی را، نظام اسلامی را، قرآن و عترت را، با این پیشرفت علمی خودشان بیش از پیش مورد ارج و احترام قرار بدهند و خدای سبحان اجر همه اینها را در دنیا و آخرت حفظ بکند و رهبری جوامع را خود خدا به عهده دارد که همه جوامع بشری از این بیماری خطرناک نجات پیدا کنند!

«غفر الله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

پی نوشتها:

[۱]. سوره توبه، آیه ۴۰.

[۲]. دیوان اشعار سنایی غزنوی، غزل ۲۰۹؛ «دردی که به افسانه شنیدم همه از خلق *** از علم به عین آمد وز گوش به آغوش».

[۳]. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹.

[۴]. سوره صف، آیه ۸.

[۵]. سوره صف، آیه ۹.

[۶]. سوره فتح، آیه ۲۸.

[۷]. من لا يحضره الفقيه، ج ۲&۲، ص ۶۱۴.

[۸]. من لا يحضره الفقيه، ج ۲&۲، ص ۶۱۵.

[۹]. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۳۴.

[۱۰]. سوره بى نه، آیه ۷.

[۱۱]. سوره نجم، آیه ۳۳.

[۱۲]. سوره نجم، آیه ۳۳.

[۱۳]. دیوان سعدی، غزل ۴۰؛ «دگر به روی کسم دیده بر نمی باشد *** خلیل من همه بت های آزرى بشکست».

[۱۴]. سوره صافات، آیه ۱۰۵.

[۱۵]. الکافی (ط الإسلامية)، ج ۴&۴، ص ۲۰۱.

[۱۶]. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

[۱۷]. دیوان حافظ، غزل ۱۶۴.

[۱۸]. الأمالی (للمفيد)، ص ۲۳۲؛ «قَدْ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْفِطْرِ وَ هِيَ تُسَمَّى لَيْلَةَ الْجَوَائِزِ أُعْطِيَ اللَّهُ الْعَالَمِينَ أَجْرَهُمْ».

[۱۹]. الکافی (ط الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۶۸؛ «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَهُ مُنَادٌ أَهْلَ الْمُؤْمِنُونَ اعْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ ثُمَّ قَالَ يَا جَائِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ بِجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُتْلُوكِ ثُمَّ قَالَ هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ».

[۲۰]. اشعار منتسب به حافظ، شماره ۱۷.

[۲۱]. الکافی (ط الإسلامية)، ج ۲&۲، ص ۴۶۹؛ «إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَفَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

[۲۲]. سوره انعام، آیه ۳۸.

[۲۳]. غزلیات حافظ، غزل شماره ۳۵۱؛ «از نامه سیاه نترسم که روز حشر *** با فیض لطف او صد از این نامه طی کنم».

[۲۴]. سوره غافر، آیه ۶۰.

[۲۵]. سوره ضحی، آیات ۶ و ۷.

[۲۶]. الکافی (ط الإسلامية)، ج ۱&۲، ص ۱۰۷.

[۲۷]. سنایی، دیوان اشعار، قصیده شماره ۱۸۵.

[۲۸]. تحف العقول، ص ۳۲۱.